



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

Volume 1, Issue 1, 2021

Incitement to Commit Suicide from the Point of View of Jurisprudence and Criminal Law

Yaghoub Alizadeh ^{*1}

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Humanity, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 159-169

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-7350-2154

TELL: +989143925601

Email: y-alizadeh@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 05 Dec 2020

Revised: 09 Jan 2021

Accepted: 03 Feb 2021

Published online: 21 Mar 2021

Keywords:

Incitement, Suicide, Accessory.

ABSTRACT

Incitement to commit suicide is one of the important issues that needs to be taken into consideration in the legislative field especially with the growing influence of social networks. Based on this, the purpose of this article is to investigate the incitement of another to commit suicide from the point of view of jurisprudence and law. The current topic is descriptive and analytical and has investigated the mentioned topic using the library method. The findings indicate that in jurisprudence, based on the The rule of Contribution in the Crime, inciting another to commit suicide is a crime. In the law of computer crimes, suicide has never been considered a criminal offense and incitement to suicide is punishable as an independent crime. Of course, the incitement must be effective and as a result of the incitement of another, he commits suicide or commits a crime or attempt to commit it.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Alizadeh, Y (2021). "Incitement to Commit Suicide from the Point of View of Jurisprudence and Criminal Law" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(1): 159-169.



انجمن علمی فقه‌جزای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌جزای تطبیقی

دوره اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

تحریک دیگری به خودکشی از منظر فقه و حقوق کیفری

یعقوب علیزاده*

۱. استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

تحریک دیگری به خودکشی از موضوعات مهمی است که به‌خصوص با روند فزاینده تأثیر شبکه‌های اجتماعی، روبه‌گسترش بوده و لازم است در حوزه قانون‌گذاری نیز مورد توجه قرار گیرد. بر همین اساس، هدف مقاله حاضر، بررسی تحریک دیگری به خودکشی از منظر فقه و حقوق است. موضوع حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که در فقه بر اساس قاعده اعانه بر اثم، تحریک دیگری در خودکشی به‌عنوان معاونت در جرم قابل پذیرش است. در حقوق کیفری نیز، در قانون جرایم رایانه‌ای، خودکشی هرگز عنوان مجرمانه به خود نگرفته و تحریک به خودکشی به‌عنوان جرمی مستقل، مجازات به دنبال دارد. البته تحریک باید مؤثر باشد و در اثر تحریک دیگری، کسی به خودکشی دست بزند و یا جرمی به وقوع بپیوندد یا شروع به اجرای آن شود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵۹-۱۶۹

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۲۱۵۴-۷۳۵۰-۰۰۲-۰۰۰۰۰۰۰۰

تلفن: ۰۱۴۳۹۲۵۶۰۱+۹۸۹

ایمیل: y-alizadeh@pnu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۶

تاریخ ویرایش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰

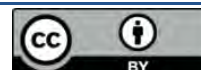
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

تحریک، خودکشی، معاونت در جرم.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

اصولاً مسؤولیت کیفری مبتنی بر آزادی اراده و قوه تشخیص و تعقل انسان است و «هر وضعیتی که موجب محدود و یا خدشه‌دار شدن اراده یا قوه تمییز فرد شود، بر مسؤولیت وی تأثیر می‌گذارد. انسان در شرایط عادی افعال خود را بر اساس انتخاب آگاهانه و آزادانه انجام می‌دهد؛ یعنی حداقل فرض بر این است که فرد ابتدا تفکر کرده، آن‌گاه با آزادی اراده، انجام یا ترک عمل را برمی‌گزیند. اما گاهی بر اثر تحریکات وارد شده، وضعیتی در فرد پدید می‌آید که قدرت کنترل اعمال و رفتار را به‌صورت مطلق یا نسبی از دست می‌دهد و اعمالی را انجام می‌دهد که اگر در شرایط عادی قرار داشت هرگز مرتکب نمی‌شد» (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۰۱/۲). از تحریک چه در قانون مجازات اسلامی سابق و چه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تعریفی ارائه نشده است. تحریک می‌تواند مستقیم و یا غیر مستقیم باشد. تحریک مستقیم حالتی است که «اندریشه ارتکاب جرم به وضوح بیان و به دیگری القا شده باشد» (صانعی، ۱۳۷۲: ۹۱). در تحریک به شکل غیر مستقیم، احراز سایر شرایط حاکم بر تحریک و اعمال قواعد مربوط به معاونت بسیار حیاتی است؛ در غیر این صورت برداشت اشتباه از این قسم از تحریک و تمایل به سوءاستفاده از آن ما را درگیر مشکلات متعددی خواهد کرد. در قانون جزای ایران، تحریک به‌عنوان یکی از طرق معاونت آمده است. به موجب ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: الف- هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند و یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد». «تحریک به جرم یعنی واداشتن دیگری به ارتکاب رفتار خلاف قانون به هر دستاویزی، خواه با مال، وعده یا فریب و خواه با تشویق و ترغیب و به طور کلی تقویت نیروی اراده ارتکاب به جرم... به‌طوری‌که اگر قانون‌گذار در بند الف ماده ۱۲۶ به مصادیق دیگر افعال معاونت اشاره‌ای نمی‌کرد باز هم به لحاظ اطلاق تحریک فعل معاونت محقق می‌بود» (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۰۲/۲). در کتب فقهی تعاریفی از معاونت در اثم و گناه، که به دلالت آیه ۳ سوره مائده و دلایل عقلی و نقلی متعدد حکم به حرمت آن داده شده است، آمده است. به‌عنوان مثال مرحوم شیخ

انصاری می‌فرمایند: «معاونت عبارت است از انجام برخی مقدمات فعل حرام به قصد ایجاد آن حرام، نه مطلق انجام دادن آن مقدمات» (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۳۲/۱). در خصوص تحریک دیگری به خودکشی وضعیت تا حدی متفاوت است زیرا خودکشی جرم نیست. معاونت در انجام یک کار یعنی تحریک و تشویق و تسهیل و ترغیب به انجام آن کار در صورتی جرم است که خود آن عمل، جرم باشد. تحقیق حاضر به بررسی تحریک دیگری به خودکشی و ارتکاب اعمال خطرناک در فقه و حقوق ایران می‌پردازد. اینکه تحریک دیگری به خودکشی و ارتکاب اعمال خطرناک در حقوق ایران اساساً جرم‌انگاری شده یا خیر؟ در صورت جرم‌انگاری، چه جرمی تلقی می‌شود و رویکرد فقه در این خصوص چیست؟ به منظور پاسخ به سؤال مورد اشاره تلاش شده تحریک دیگری به خودکشی به‌عنوان معاونت در جرم از منظر فقه و حقوق مورد بررسی قرار گیرد.

۱- تحریک دیگری به خودکشی به‌عنوان معاونت در جرم از**منظر فقه**

در این قسمت به بررسی تحریک دیگری به خودکشی به‌عنوان معاونت در جرم از منظر فقه پرداخته می‌شود.

۱-۱- معاونت در جرم از منظر فقه

با توجه به این که ارتکاب عمل خودکشی از جمله گناهان کبیره می‌باشد و روایات موجود نیز مؤید این مطلب است، هرگونه اقدام در راستای خودکشی مشمول اطلاق ادله حرمت قتل نفس واقع شده و بنابراین معاونت در ارتکاب آن نیز از مصادیق بارز «اعانه بر اثم» محسوب شده و طبق قاعده‌ها، حکم آن حرمت است (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶: ۴۴۴/۱؛ منتظری، ۱۴۱۷: ۳۲۸). مطابق قاعده مذکور معاونت علاوه بر موارد عملی، شامل مصادیق فکری و ارشادی نیز خواهد شد (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶: ۴۴۹/۱). همچنین معاونت در خودکشی به حکم عقل نیز قبیح می‌باشد هر چند این بدان معنا نیست که عمل مذکور الزاماً مورد جرم‌انگاری حقوقی نیز قرار گرفته باشد (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۲۱).

مهم‌ترین مبنای فقهی برای جرم دانستن معاونت در خودکشی قاعده حرمت اعانت بر اثم می‌باشد. «این قاعده که

«معاون» داده‌اند. این موضوع در کتب قدمای فقه تحت این قاعده نیامده است. بلکه موردی از آن سخن به میان آمده است. مثلاً در فقه درجایی که می‌خواهند عمل فروش انگور به کسی که می‌خواهد شراب درست کند را مطرح نمایند به این مطلب نیز اندکی اشاره می‌شود. به‌عنوان مثال شیخ انصاری در مکاسب محرمة در مبحث معونه الظالمین تا حدودی در این زمینه بحث کرده‌اند. اما خوشبختانه فقهای متأخر به این موضوع تحت عنوان قاعده اعانه بر اثم اشاراتی داشته‌اند» (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۱۷۳-۱۷۴). برخی به دلیل وضوح مطالب آن را قابل تعریف دقیق نمی‌دانند (حسینی شاهرودی، ۱۴۰۸، ۱۹۷/۱). اما برخی به تعریف معاونت پرداخته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود. مرحوم نراقی در این باره می‌نویسد: «معاونت یعنی فعلی از فاعل یا مباشر صادر شود و فردی مقدمات آن را فراهم کرده باشد» (نراقی، ۱۴۱۷: ۷۰۲). شیخ انصاری می‌گوید: «معاونت عبارت است از انجام دادن برخی از مقدمات فعل حرام به قصد ایجاد آن حرام نه مطلق انجام دادن آن مقدمات» (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۳۲/۱). میرزا حسن موسوی بجنوردی نیز می‌نویسد: «فالمراد من الاعانه علی الاثم، مساعده الاثم الذی یصدر منه و ذلک بایجاد جمیع مقدمات الحرام الذی یرتکبه او بعضها» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹: ۱۹۷/۱).

از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) «معاونت تهیه مقدمات و اسباب معصیت برای کسی است که قصد ارتکاب آن را دارد اعم از اینکه تهیه اسباب برای رسیدن به آن هدف باشد یا نه و یا اثم در خارج تحقق یابد یا نه، اعانت بر اثم بوده و حرام است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۲۱۱/۱). مرحوم آیت‌الله فاضل لنگرانی در این باره نوشته: «اعانت یاری دادن، بنابراین معین همان مساعد در یک جهت یا سایر جهات است و لکن ظاهر عدم اختصاص مساعدت به مساعدت عملی است بلکه شامل کمک فکری و ارشادی نیز می‌شود. خلاصه اعانت یعنی یاری رساندن جهت صدور فعل حرام که فکری و عملی را شامل می‌شود» (فاضل لنگرانی، ۱۴۱۶: ۴۴۹/۱).

از آنچه که گفته شد معلوم می‌شود نظرات فقها درخصوص مفهوم معاونت با هم تفاوت دارد. به‌طوری‌که عده‌ای از ایشان صرف علم و آگاهی را برای صدق عنوان معاونت کافی

مستند به آیه شریفه *وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانَ* (مائده/۲) می‌باشد، دلالت بر حرمت معاونت در هر گناهی وظلمی دارد» (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۶: ۱۷۶) و با عنایت به اینکه «خودکشی از زمره گناهان کبیره می‌باشد» (نساء/۲۹؛ اسراء/۳۳) «معاونت در ارتکاب آن، از مصادیق بارز اعانت بر اثم است. فی‌الواقع، در حقوق کیفری اسلام، به عمل شخصی که با تهیه وسایل یا دادن اطلاعات لازم، موجبات خودکشی دیگری را فراهم می‌کند، اعانه بر اثم گفته شده و با توجه به اینکه حکم اعانت بر اثم، مطابق قاعده فوق، حرمت است» (منتظری، ۱۴۱۷: ۳۲۸). بنابراین برای شخص معاون به استناد همین قاعده باید حکم به حرمت داد.

«هرگاه یک یا چند نفر در انجام عملیات مادی جرم معینی مباشرت نداشته باشند ولی با ارتکاب اعمال و رفتار خود مجرم اصلی را کمک و یاری می‌کنند با رعایت شرایطی که در قانون مقرر است، مجرم و قابل مجازات شناخته می‌شوند. بدین ترتیب نظر به اینکه اصولاً مسؤولیت جزایی مباشر جرم شخصی است و ظاهراً معاونت در جرم، که جرم مستقلاً به حساب نمی‌آید، این پرسش مطرح می‌شود که ملاک مسؤولیت و قابل مجازات بودن معاون جرم چیست؟ یا آیا اعمالی که معاونت در جرم محسوب می‌شوند خود عاری از بار مجرمیت خاص هستند؟» (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۲۱). خداوند متعال در آیه ۲ سوره مائده می‌فرماید: «تعاونوا علی آثم و التقی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان» یعنی به نیکی و تقوی با یکدیگر همکاری کنید و بر گناه و تجاوز کمک و همکاری نکنید. گنهکار گاهی با همکاری دیگری یا دیگران گناهی مرتکب می‌گردد و فاعل را در عنصر مادی یاری و کمک می‌نماید که به این عمل فرد یا افراد در فقه اسلامی «اعانه بر اثم» گفته می‌شود که به بحث از قاعده حرمت اعانت بر اثم پرداخته می‌شود.

«شخصی که با همکاری دیگر یا دیگران گناهی مرتکب می‌گردد و فاعل را در انجام عنصر مادی کمک می‌کند به این عمل فرد یا افراد در فقه اسلامی اعانه بر اثم گفته می‌شود و به آنان عنوان معین داده‌اند و به عمل فوق در حقوق جزای عرفی معاونت در جرم گفته می‌شود و به افراد فوق عنوان

نکته دیگر آن است که در این قاعده، مساعدت لزوماً مختص به مساعدت عملی نمی‌باشد، بلکه شامل کمک فکری و ارشاد نیز می‌گردد (بجنوردی، ۱۴۰۱: ۴۴۹/۲).

۱-۲- معاونت در خودکشی از منظر فقه

اشاره شد اعانت یعنی یاری رساندن جهت صدور فعل حرام که اعم است از اعانت عملی و مادی (مثل تهیه وسایل ارتکاب خودکشی) یا فکری و معنوی (مثل دادن اطلاعات لازم در این زمینه، روایتی هم از پیامبر اسلام (ص) وارد شده است که «من أغان علی قتل مسلم ولو بشطر کلمه، جاء یوم القيامة مكتوبه بین عینیه: آپس من رحمہ اللہ» (حرعاملی، ۱۴۱۹: ۴/۱۹) «کسی که همکاری و مساعدت نماید برای قتل مسلمانی ولو دخالتش در حد یک کلمه باشد، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که بین دو چشمش نوشته شده است: نا امید از رحمت خدا.» «روایت فوق که معاونت در قتل را تقبیح کرده است، به نوعی دلالت بر قبح اعانت بر خودکشی نیز دارد، زیرا از منظر آموزه‌های اسلامی میان خودکشی و دیگرکشی (قتل) تفاوتی وجود ندارد. در حقیقت، خودکشی نیز نوعی قتل محسوب می‌شود که در آن، قاتل و مقتول یکی هستند. علاوه بر این، قبح اعانت بر اثم (من جمله اعانت بر خودکشی اثم کبیر است) مستند به حکم عقلی نیز می‌باشد. در بیان دلیل عقل چنین گفته‌اند: نه چنانکه انجام منکر عقلاً قبیح است، انجام مقدمات برای منکر هم قبیح است. به خاطر همین، قوانین عرفی عهده‌دار وضع مجازات برای معین جرم هستند. این حرف با آنچه که در علم اصول گفته شده که مقدمات حرام، حرام نیست تنافی ندارد؛ زیرا آنچه که در اصول گفته شده، انکار لازمه بین حرمت اشیاء و حرمت مقدمات آن است و آنچه که در اینجا اثبات کرده‌ایم ادراک عقل به قبح تعاون بر معصیت و گناه است؛ نه به خاطر اینکه مقدمه حرام است؛ بلکه به خاطر اینکه عقل مستقلاً به قبح اعانه بر حرامی که از دیگری صادر می‌شود حکم می‌دهد. پس نزد عقل، معین جرم مانند شریک جرم است اگر چه در میزان قبح با هم متفاوت‌اند» (منتظری، ۱۴۱۷: ۲۴۸). در نهایت، چه خودکشی را گناه مستقلی بدانیم و چه آن را از مصادیق قتل نفس محترمه به حساب آوریم، در هر حال اعانت بر خودکشی، از منظر آموزه‌های دینی قبح است.

می‌دانند و برخی دیگر علاوه بر آن قصد ترتب نتیجه را نیز شرط می‌دانند و گروهی از متأخرین هم چون مرحوم نراقی «ضمن اعتبار علم و قصد، وقوع جرم اصلی» را نیز شرط می‌دانند (نراقی، ۱۴۱۷: ۷۵).

اما شاید بتوان تعاریف فقها را با توجه به تفاوت‌هایی که دارند در این تعریف خلاصه کرد که: «معاونت آن است که فردی بدون اینکه فعل حرام مستند به عمل او باشد، مقدمات آن را فراهم کند چه به صورت رفع مانع یا تسهیل طرق انجام آن یا کمک فکری و روانی». از آنجا که قوانین جزایی نیز او را مستحق کیفر می‌دانند، بدین جهت قوانین عرفی مکلف به ایجاد قوانین جزایی شده‌اند. اگرچه معین نقش اصلی در جرم نداشته باشد. وی را مجازات می‌کنند؛ مثلاً اگر کسی در سرقتی، سارق را یاری دهد و اسباب سرقت را فراهم و سارق را در این جرم یاری کند، معین و معاون جرم بوده و از دیدگاه عقل مستحق جزا و مجازات می‌باشد، همان‌طور که قوانین جزایی عمل کرده‌اند. «حکم عقل مستقل است از قبیح بودن کمک و مساعدت بر انجام فعلی که مبعوض شارع مقدس است و یا چیزی که در آن مفسده‌ای باشد. زمانی که عقل آدمی به‌طور مستقل چنین فعلی را قبیح پندارد، به دلیل قاعده ملازمه کل ما حکم به العقل حکم به الشرع در شریعت مقدس نیز چنین فعلی قبیح خواهد بود و شخص اعانت کننده هم مبعوض شارع مقدس خواهد بود» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰: ۳۰۰/۱).

امام خمینی (ره) در مورد قباح عقلی اعانت بر اثم می‌فرماید: «حکم عقل بر قبح اعانت بر غیر است برای نافرمانی امر خداوند و آنچه مورد غضب او است، لذا اعمال و مساعدت فاعل آن، از نظر عقل زشت و مطرود و مستوجب مجازات است (موسوی خمینی، ۱۴۱۵: ۱۳۲/۱).

آنچه مسلم است، اینکه در حقوق اسلامی معاونت در جرم با اصطلاحاتی نظیر اعانت بر اثم، اعانت ظالمان، اعانت أعوان ظلمه مطرح است و برای کیفر آن نص خاصی وجود ندارد و فقط معاون یا معاونین در جرم تعزیر می‌شوند (بجنوردی، ۱۴۰۱: ۲۳۸/۲). لذا در مورد کسی که مساعدت در خودکشی دارد نیز بایستی به استناد همین قاعده، حکم به حرمت داد.

۲- تحریک دیگری به خودکشی از منظر حقوق کیفری

عکس‌العمل حقوق کیفری ایران نسبت به معاونت در خودکشی از چند دیدگاه قابل بررسی می‌باشد: امکان تحریک دیگری به خودکشی به‌عنوان معاونت در جرم، یا سبب اقوی از مباشر یا مجرمیت عاریه‌ای یا مجرمیت استعاره‌ای و یا جرم مستقل که در این مبحث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲- امکان تحریک دیگری به خودکشی به‌عنوان معاونت در جرم

در حقوق ایران با توجه به «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» و با توجه به این که تا زمانی که فعل یا ترک فعلی را قانونگذار جرم نشناخته و برای آن مجازاتی مشخص نکرده باشد، ولی هرچند این عمل زشت باشد قابل مجازات نیست. از این جهت خودکشی و معاونت در آن قابل مجازات نمی‌باشد. «در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ شمسی و اصلاحات آن در سال ۱۳۵۲، خودکشی جرم نبوده و اساساً راجع به خودکشی، شروع به خودکشی یا معاونت و مشارکت در خودکشی مجازاتی پیش‌بینی نشده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز این عمل و معاونت در آن جرم‌انگاری نشده است. بنابراین از غیر قابل مجازات بودن این که آگاهانه عضوی از اعضای بدنش را به‌منظور فرار از خدمت وظیفه عمومی ناقص نماید، قابل مجازات نیست، بلکه وارد کردن این قبیل صدمات شخصی بدنی به‌عنوان عمل مجرمانه ممنوع بوده و مرتکب آن قابل مجازات مطابق ۵۹۲ قانون سابق مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱ قابل مجازات است» (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۰۳/۲). مثال دیگر ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ است: «هر نظامی که برای فرار از کار با انجام وظیفه و یا ارباب و تهدید فرمانده یا رئیس یا هر مافوق دیگر برای معافیت از خدمت و یا انتقال به مناطق مناسب‌تر و یا کسب امتیازات دیگر عمداً به خود صدمه وارد آورد یا تهدید به خودزنی نماید یا به عدم توانایی جسمی یا روحی متعذر شود و بنا به گواهی پزشک نظامی یا پزشکان قانونی، تمارض او ثابت گردد و یا در انجام وظایف نظامی بی‌علاقگی خود را در موارد متعدد ظاهر کند به‌نحوی که در تضعیف سایر نیروهای نظامی مؤثر باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به ترتیب زیر محکوم می‌گردد: ...»

در حقوق جزای ایران فرض شرکت در خودکشی قابل تحقق است. به این صورت فردی یک سرطانی را که به گردن خود پیچیده است، به دیگری داده و سردیگر طناب را نگه داشته و دو نفر با کشیدن دو سر طناب موجبات مرگ خودکشی کننده را فراهم سازد. به نظر می‌رسد در این فرض اولیاء مقتول بتوانند نصف دیه قاتل را به وی پرداخت کرده، او را قصاص نمایند (گلدوزیان، ۱۳۹۱: ۹۵/۲). و همچنین در اکراه در خودکشی هم محقق است که اگر کسی بدون علم و آگاهی مجنی‌علیه، موجبات مرگ او را به دست خود او فراهم آورده یا مجنون یا فرد نابالغی را از طریق تحریک و ترغیب وادار به خودکشی نماید، چنین اعمالی از مصادیق قتل عمد خواهد بود مثل این که، چنانچه شخص مجنون یا طفلی را که شنا نمی‌داند، وادار به شنا کردن نماید و یا سلاحی را به کودکی داده و او را تشویق کند که ضمن ملاحظه داخل لوله اسلحه، ماشه را بکشد، در این موارد معاونت در خودکشی منقضی بوده و این قبیل موارد از مصادیق قتل عمد خواهد بود، زیرا مرتکب با قصد سلب حیات از فرد معینی، کاری را انجام داده که منجر به سلب حیات فرد گردیده است. در مورد معاونت در خودکشی قانونگذار معاونت را به‌عنوان جرم مستقل نمی‌شناسد، بلکه در این مورد از نظریه «مجرمیت استعاره‌ای» پیروی کرده است، بدین معنا که مادامی که عمل اصلی جرم نباشد، نمی‌توان برای معاون آن مجازات تعیین کرد، ولی با وجود نظرات موجود برای تعیین مجازات معاون دو نظریه وجود دارد: ۱- نظریه یگانگی یا وحدت جرم (اکتسابی) ۲- نظریه چندگانگی جرم.

قانونگذار ما در مواردی چند نظیر اخفای مال مسروقه (ماده ۶۲۱ ق.م.ا. تعزیرات)، مخفی کردن تبهکاران (ماده ۵۵۳ ق.م.ا. تعزیرات)، اخفای اشخاص (ماده ۶۲۱ ق.م.ا. تعزیرات) از دوگانگی جرم معاونت و مباشرت را پذیرفته است، ولی تبعیت او از نظام مذکور محدود به جرایم خاص و استثناء است. اما در مورد معاونت در خودکشی اخیراً مطابق قانون جرایم رایانه‌ای، معاونت در خودکشی به‌وسیله سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی، جرم شناخته شده است. طبق ماده ۱۵ قانون مذکور و بند ج آن «هر کس از طریق سیستم رایانه‌ای یا مخابراتی به منظور ارتکاب جرایم و انحرافات جنسی یا سایر جرایم

است که عمل فرد را معاونت بدانیم. برای نمونه مرتکب باید با همان وسایل که معاون فراهم کرده است به ارتکاب جرم دست بزند و عمل معاون باید قبل یا در حین ارتکاب جرم اصلی باشد و مهم‌تر از همه مدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است (تبصره ماده ۱۲۶). اما مهم‌ترین بحث معاونت که در واقع باعث شده است جرمی به‌عنوان معاونت در خودکشی نداشته باشیم و در واقع، اصلی‌ترین دلیل معاونت این است که فعل مباشر جرم باشد و چون خودکشی جرم نیست، عمل معاونت هم جرم نیست، اما قانونگذار معاونت در خودکشی را به‌صورت مستقل جرم‌انگاری کرده است مانند معاونت در خودکشی در ماده ۱۵ رایانه‌ای که قانونگذار این مورد معاونت را به‌عنوان جرم مستقل آورده و در اصل یک استثناء بر اصل (جرم بودن عمل مباشر) است و در اکثر مواد، معاون خودکشی نقش به‌سزایی در ارتکاب این عمل دارد و در بیشتر موارد خودکشی‌ها فرد با کمک فردی دیگر دست به ارتکاب این عمل می‌زند.

در واقع «نظام حقوقی ایران، همچون بسیاری از نظام‌های حقوقی، در بحث معاونت در جرم، از نظریه مجرمیت عاریه‌ای پیروی کرده است. بدین معنی که تحقق معاونت در جرم داشته و متصل به اقدام مجرمانه‌ای است که فاعل و مباشر جرم مرتکب می‌شود. پس هرگاه عملی قانون جرم تلقی نشود احراز معاونت آن هم قابل تصور نیست. در مسأله معاونت در خودکشی چون نفس ارتکاب خودکشی را قانون‌گذار جرم و قابل مجازات اعلام نکرده به تبع آن معاونت در خودکشی نیز جرم تلقی نشده و فاقد کیفر است» (ولیدی، ۱۳۸۴: ۴۱۰). «بنابراین در سیاست جنایی ایران، خودکشی اگرچه تحت تأثیر آموزه‌های دینی و فقهی، مباح نبوده لکن مورد جرم‌انگاری نیز قرار نگرفته است و به‌طور تبعی، معاونت در خودکشی هم مجازات کیفری نخواهد داشت. بنابراین، یکی از راه‌های مقابله با معاونت در خودکشی می‌تواند جرم‌انگاری «خودکشی» یا «اقدام به خودکشی» باشد زیرا در صورت ورود این اقدامات به سیاهه قوانین کیفری، معاونت در ارتکاب آن که نیز به تبعیت از نظام استعاره مجرمیت، مستوجب برخورد کیفری خواهد بود» (عبدالکریمی کومله، ۱۴۰۲: ۳).

یا خودکشی یا استعمال مواد روان گردان، اشخاص زیر هجده سال تمام را آموزش داده، یا تبلیغ یا تحریک یا تهدید یا تشویق یا دعوت نموده یا فریب دهد، یا طریق ارتکاب یا استعمال آن را تسهیل نماید یا آموزش دهد به حبس از یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از دو میلیون و پانصد هزار تا ده میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» که در واقع این ماده نیز استثنایی در باب معاونت در خودکشی می‌باشد که به‌عنوان جرم مستقل آمده است.

در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی آمده است که «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: الف: هر کس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا به وسیله فریب یا سوء استفاده از قدرت موجب وقوع جرم گردد. ب: هر کس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد. پ: هر کس وقوع جرم را تسهیل کند».

در بند الف ماده از کلمه رغبت آمده و نوعی تحریک است، یعنی ایجاد میل و علاقه در دیگری به انجام دادن کاری، تهدید به معنای ترسانیدن و بیم دادن و تحریک به حرکت در آوردن، جنبانیدن، واداشتن و برانگیختن و تطمیع به معنای وعده پرداخت پول آمده است. در مورد نقش معاونت در خودکشی، در واقع معاونت در خودکشی در بخش‌هایی با مفاد ماده ۱۲۶ همخوانی دارد و در مواردی عمل خودکشی یک عمل دو نفره است و نیاز به کمک کسی دارد که این فرد یا فرد خودکشی کننده را تحریک به این عمل کرده یا وسایل ارتکاب جرم را برای فرد فراهم می‌کند، مانند این که برای فرد اسلحه یا سم یا قرص را تهیه می‌کند با علم به این که این فرد وسایل مذکور را برای ارتکاب خودکشی می‌خواهد و در مواردی وقوع جرم را تسهیل می‌کند، مانند بند پ ماده ۱۲۶ مثال برای این موارد که آموزشی به فرد می‌دهد که راحت‌تر و آسان‌تر خودکشی نماید و با نشان دادن راه کار این عمل را آسان جلوه می‌دهد. با توجه به آنچه گفته شد، مثال دوم نقش مهمی دارد، مانند فردی که در حبس است و فردی برای او قرص تهیه می‌کند (مانند قرص برنج) اما باز هم با نتایجی که از یافته‌های اساتید علم جزا به دست آمده است، برای وقوع معاونت با وسایل و اوضاع و احوال شروطی لازم

۲-۲-۲- شرایط لازم برای تحقق تحریک دیگری به خودکشی به‌عنوان معاونت در جرم

نظر بر این که معاونت در جرم دارای مصادیق متعدد می‌باشد، ارائه تعریفی جامع و مانع از آن امری دشوار می‌نماید و لذا قانونگذاران غالباً با احصای مصادیق معاونت، به تحدید دامنه آن می‌پردازند (نوربها، ۱۳۸۷: ۲۰۲). با عطف توجه به این که معاون غالباً خارج از عرصه اجرایی جرم به مساعدت با مجرم مبادرت می‌ورزد، در این مبحث به‌منظور ایضاح مطلب ابتدا به ذکر عناصر و ارکان سه گانه لازم جهت تحقق جرم معاونت در خودکشی پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱- عنصر قانونی

قانونگذار وفق بند (ب) ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ بدون ارائه تعریفی جامع و مانع از سامانه‌های رایانه‌ای، سامانه‌های مخابراتی یا حامل‌های داده، معاونت در خودکشی را منحصرأ از طریق سامانه‌ها و ابزار مربوط مورد جرم‌انگاری قرار داده است. مع‌الوصف، مشکل این خلأ قانونی به‌وسیله دیگر قوانین مختلف، مرتفع می‌گردد. قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ به تعریف سامانه رایانه‌ای پرداخته است؛ پیش‌نویس لایحه قانونی مجازات جرایم رایانه‌ای به تعریف سامانه‌های مخابراتی پرداخته و حامل‌های داده نیز در قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ مورد تعریف قرار گرفته‌اند. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ همچنین به تعریف «داده پیام» نیز پرداخته است.

۲-۲-۲- عنصر مادی

جرم معاونت در خودکشی مطابق بند (ب) ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، دارای عنصر مادی خاص می‌باشد. بند (ب) ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۸، اعمالی که می‌تواند به‌عنوان عنصر مادی، مستقلاً مصداق معاونت در خودکشی باشد را منحصرأ ذکر نموده و بدین ترتیب ارتکاب جرم معاونت در خودکشی را از طریق تحریک، ترغیب، تهدید، دعوت و نیز فریب محقق دانسته است. همچنین تسهیل یا آموزش شیوه ارتکاب جرم خودکشی نیز داخل در مصادیق مقوم جرم معاونت در

خودکشی از طریق سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی یا حامل‌های داده است که تمام موارد فوق از جمله افعال مادی مثبت می‌باشند. نکته‌ای که توجه به آن ضروری است این که قانون، به طریق حصری به احصاء سامانه‌ها و ابزار تحقق جرم معاونت در خودکشی پرداخته و با این وصف، ارتکاب جرم معاونت در خودکشی منحصرأ محدود به سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی یا حامل‌های داده است و در خصوص جرم معاونت در خودکشی، هر یک از مفاهیم فوق، تنها از طرق مذکور واجد وصف مجرمانه خواهند بود. نکته دیگر این که نحوه بیان قانونگذار در بند (ب) ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، درخصوص هر یک از مفاهیم جرم معاونت در خودکشی، مفید اطلاق بوده و از منظر مذکور، جرم معاونت در خودکشی، جرمی مطلق محسوب می‌گردد و مقید به حصول نتیجه نمی‌باشد؛ به‌عبارت‌دیگر، از نظر قانونگذار، هر یک از مفاهیم مذکور در بند (ب) ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای، مصوب ۱۳۸۸ به صرف ارتکاب، فی‌نفسه به‌عنوان جرم تلقی می‌گردد. با توجه به این که از جمله شرایط لازم جهت تحقق عنصر مادی جرایم علیه اشخاص، شرط محقون‌الدم بودن مجنی‌علیه می‌باشد، پرداختن به بحث معاونت در خودکشی افراد مهدورالدم از این حیث امری ضروری به نظر می‌رسد. با عنایت به مفاد ماده ۳۰۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ معاونت در خودکشی اشخاص مهدورالدم مطلق، از طریق سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی یا حامل‌های داده از شمول مفاد بند (ب) ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ خارج می‌باشد. درخصوص اشخاص مهدورالدم نسبی، تنها در صورتی که معاون در خودکشی، صاحب حق قصاص باشد، از شمول مفاد بند (ب) ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ خارج بوده و مستحق مجازات نخواهد بود؛ اما در فرضی که شخصی غیر از اولیای دم، شخص مهدورالدم نسبی را از طریق سامانه‌ها و ابزار مذکور در خودکشی معاونت نماید، با عنایت به بند (پ) ماده ۳۰۲ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ و به موجب بند (ب) ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، بارز جرم معاونت در خودکشی بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. این مطلب در خصوص پیمان خودکشی نیز صادق می‌باشد.

به‌عنوان یکی از ارکان تحقق جرم مذکور ضروری می‌باشد، سوء نیت خاص مرتکب جرم است؛ به عبارت دیگر، علی‌رغم صراحت قانون مبنی بر مطلق بودن جرم معاونت در خودکشی، به‌منظور تحقق جرم مذکور، علم و آگاهی مرتکب جرم به هر یک از مصادیق معاونت در خودکشی، همچنین عمد در تحقق هر یک از مصادیق مذکور، توأم با قصد حصول نتیجه امری ضروری می‌باشد. بدیهی است اقتران زمانی در تحقق عناصر مادی و معنوی نیز امری ضروری تلقی می‌گردد.

نتیجه‌گیری

تحریک عبارت است از نفوذ در فکر و اندیشه دیگری و سوق داد او به ارتکاب جرم. در فقه با استعانت از قاعده اعانت بر اثم می‌توان معاونت در خودکشی را قابل مجازات دانست. بر همین اساس تحریک به خودکشی به‌عنوان معاونت در جرم، جرم تلفی شود. معاونت در خودکشی در جرایم رایانه‌ای در ماده ۱۵ یا ۱۹ به شکل تحریک و ترغیب پیش‌بینی شده است. قانون‌گذار در ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ تصریح کرده است که: «هرکس از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده، افراد را به ارتکاب جرایم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از ۹۱ روز تا یک سال یا جزای نقدی از ۵ میلیون ریال تا ۲۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود». بر این اساس، قانونگذار تحریک و ترغیب به‌عنوان معاونت در خودکشی را در جرایم رایانه‌ای جرم‌انگاری کرده، ولی در جرایم عادی و عمومی این عمل را جرم‌انگاری نکرده است. طبق اصول جرم‌انگاری (اصل ضرر، پدرسالاری و اخلاق‌گرایی) برای جلوگیری از ضرر به خود و دیگران و بالا بردن سطح اخلاق جامعه می‌توان شروع به خودکشی و معاونت در آن را قابل مجازات دانست. برای مجازات دانستن شروع در خودکشی می‌توان به ماده ۵۱۲ و ۶۱۱ استناد کرد که اشاره دارد به اینکه هر زمان امری باعث اخلال در نظم عمومی جامعه شود، بدون رعایت قواعد شروع عمل ارتكابی را جرم می‌دانند. برای جرم دانستن معاونت در

چنانچه شخصی که مخاطب پیمان خودکشی قرار می‌گیرد، از جمله اشخاص مهدورالدم مطلق باشد، انعقاد پیمان خودکشی با وی از شمول مفاد بند (ب) ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ خارج است؛ اما درخصوص اشخاص مهدورالدم نسبی، تنها در صورتی که اشخاص مهدورالدم نسبی، از جانب صاحب حق قصاص مخاطب پیمان خودکشی واقع شوند، صاحب حق قصاص از شمول مفاد بند (ب) ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ خارج می‌باشد.

دو سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چنانچه شخصی با تصور اشتباه مبنی بر این که شخص دیگر مهدورالدم مطلق یا نسبی است، و حال آن که شخص مذکور، فرد محقون‌الدم دیگری باشد، در خودکشی وی معاونت نموده یا با وی پیمان خودکشی منعقد نماید، مشمول بند (ب) ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ قرار می‌گیرد یا خیر؟ با عنایت به مفاد ماده ۲۹۴ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ اشتباه در هویت در خصوص قتل عمد، ضمن این که باعث تغییر عنوان جرم نمی‌شود، مسؤولیت جزایی مرتکب جرم را نیز از بین نخواهد برد (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۶۱). از این منظر، در معاونت در خودکشی از طریق سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی یا حامل‌های داده و خاصه پیمان خودکشی نیز اشتباه در هویت مانع از تحقق آن نخواهد شد. چنانچه شخصی با اعتقاد به مهدورالدم بودن دیگری، وی را از طریق سامانه‌های رایانه‌ای، مخابراتی یا حامل‌های داده در خودکشی معاونت نماید، و حال آنکه شخص مذکور واجد وصف فوق نباشد، با عنایت به مفاد ماده ۳۰۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ شخص وفق بند (ب) ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ مرتکب معاونت در خودکشی محسوب می‌شود. همچنین چنانچه شخصی با تصور اشتباه مهدورالدم بودن دیگری با وی پیمان خودکشی منعقد نماید و حال آنکه شخص مذکور واجد وصف فوق نباشد، وفق بند (ب) ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ به معاونت در خودکشی محکوم خواهد شد.

۲-۳- عنصر روانی

با امعان نظر در مراتب فوق، در خصوص عنصر روانی جرم معاونت در خودکشی، آنچه حائز اهمیت بوده و وجود آن

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم، چاپ هفدهم، تهران: نشر میزان.

- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). *مکاسب*. جلد اول و یازدهم، چاپ هفتم، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.

- حرعاملی، محمد (۱۴۱۹). *وسائل الشیعه*. جلد نوزدهم، الطبعة السادسة، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

- حسینی شاهرودی، سیدعلی (۱۴۰۸). *محاضرات فی الفقه الجعفری*. جلد اول، چاپ چهارم، قم: دارالکتاب الاسلامی.

- حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۳). *سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران (بلی کیی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی)*. چاپ اول، قم: نشر مجتمع آموزش عالی قم.

- صانعی، پرویز (۱۳۷۲). *حقوق جزای عمومی*. چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.

- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۰۶). *تکملة العروة الوثقی*. چاپ ششم، قم: کتاب فروشی داوری.

- عبدالکریمی کومله، رضوانه (۱۴۰۲). «بررسی معاونت در خودکشی در حقوق کیفری و قوانین موضوعه ایران»، *ماهنامه پایتشر*، ۵(۴۷): ۱۶۸-۱۵۴.

- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶). *قواعد الفقیهه*. جلد اول، چاپ اول، قم: چاپ مهر.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۶). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*. چاپ پانزدهم، تهران: نشر میزان.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۱). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*. جلد دوم، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات میزان.

- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۹). *قواعد فقه*. جلد چهارم، چاپ هفدهم، قم: مرکز نشر علوم اسلامی.

خودکشی باید آن را مستقلاً جرم‌انگاری کرد؛ بدین معنا که اگرچه خودکشی جرم نمی‌باشد، اما معاونت در آن واجب عنوان مجرمانه دانسته و برای آن مجازات در نظر گرفته شود. در حقوق کیفری ایران با توجه به اینکه تحریک از مصادیق معاونت در جرم است، از رویکرد استعاره‌ای مجرمیت پیروی کرده لیکن مقنن کیفری ایران در برخی موارد تحریک را به‌طور مستقل جرم‌انگاری کرده است. در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ایران تحریک از مصادیق تخفیف مسؤولیت دانسته شده است. در حقوق ایران تحریک به جرم به دو نوع متفاوت تجزیه می‌شود. نخست، تحریک به جرم به‌عنوان معاونت در جرم؛ دوم، تحریک به جرم به‌عنوان جرم مستقل. اصولاً تحریک به‌عنوان مصداقی از معاونت در جرم می‌باشد و شناسایی آن به‌عنوان جرم مستقل امری استثنایی است. با توجه به این که قدم اول در معاونت این است که عمل مباشر جرم باشد یا قابل مجازات باشد، دلیل این که در نظام حقوقی ما معاونت عاریه‌ای است و اگر عمل فاعل جرم نباشد، عمل معاون نیز جرم نیست و با توجه به این که قانونگذار برای یک مصداق از تحریک و ترغیب خودکشی مجازات تعیین کرده و آن هم تحریک و ترغیب در خودکشی از طریق رایانه است (ماده ۱۵ جرایم رایانه‌ای)، پس تا مروری از این اصل عدول کرده، در واقع می‌توان در مواردی از اصل عدول کرد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: تمام مراحل نگارش مقاله شخصاً توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۷). *دراسات فی المکاسب المحرمه*. چاپ هفتم، قم: نشر تفکر.
- موسوی بجنوردی، حسن (۱۳۸۹). *التواعد الفقہیہ*. جلد اول و دوم، چاپ سوم، تهران: مؤسسه عروج.
- موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۸۰). *مجموعه مقالات فقہی- حقوقی- فلسفی و اجتماعی*. جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی.
- موسوی خمینی، سیدروح اله (۱۴۱۵). *المکاسب المحرمه*. جلد اول، چاپ سوم، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نراقی، ملأ احمدبن محمد (۱۴۱۷). *عوائد الایام*. الطبعة الاول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- نوربها، رضا (۱۳۸۷). *زمینه حقوق جزای عمومی*. چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۴). *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)*. جلد دوم، چاپ دهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

